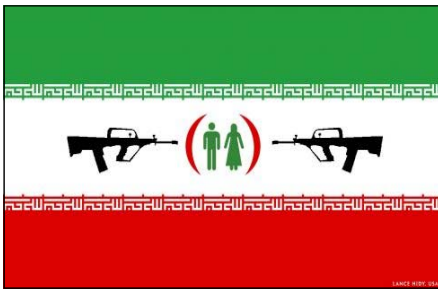


نیاز لمظه:

برپائی ارگان ملی گذر از استبداد به دموکراسی
برای تدارک و برگزاری انتخابات آزادا

دادن آن به خاطر نقض خشن و فاشیستی حقوق بشردر ایران و ماجراجویی های منطقه ای و بین المللی، انتخابات آزاد انسان رویکردی است که دولت ها و نهادهای بین المللی را در چالش با حکومت خامنه ای می تواند به دفاع از مبارزه مردم ایران کشاند. و انتخابات آزاد، حتی برای پیروان قدرت حاکم حاوی و حامل این پیام است که جنبش سبز قصد حذف هیچ جریانی از رقابت دموکراتیک را ندارد و ایران را واقعا برای همگان می خواهد، و اصولا جنبشی است علیه فکر و عمل مبتنی بر حذف و تنها چیزی را که می خواهد حذف کند خود اندیشه و روش حذف در سیاست و فرهنگ کشور است و بس. این جنبش تجلی اخلاق متمدنانه مردم ایران است در برابر ضد اخلاقی ترین عملکرد استبداد حاکم. به این دلیل انتخابات آزاد تنها راه موثر برای منفرد و منزوی کردن حاکمیت استبدادی ولی فقیه است. از اینرو ما انتخابات آزاد را دروازه پیروزی برای عبور ایران به سوی آزادی و دموکراسی می دانیم.



نیاز تاخیرناپذیر این لحظه حساس از حیات سیاسی کشور مان، تشکیل ارگانی ملی است از نمایندگان جریان های سیاسی سازمان یافته و شخصیت های سیاسی نماینده گرایش های سیاسی اعم از حاضران در جنبش سبز و یا در کنار و همسوی آن؛ ارگانی حول توافق برسر نحوه گذار کشور از استبداد حاکم، در شکل انتخابات آزاد، و برای تدارک و برگزاری آن؛ ارگان دموکراتیک دربرگیرنده همه آنانیکه باورمند به دموکراسی هستند. در مختصات کنونی که استبداد حاکم کمر به تکمیل کودتا بسته و برای سبوعیت و خونریزی بیشتر خیز برداشته است، مسیر ایستادگی و پیروزی جنبش سبز نه از فرو رفتن در لاک خود، دزدیدن سر، و بی تصمیمی سیاسی که از تعرض سیاسی متحدانه و هدفمند برای تغییر وضع حاکم می گذرد. باید باور داشت و به جامعه باوراند که استبداد حاکم علیرغم همه شلتاق ها و سرکوب هایش رفتنی است و هم از اینرو می باید که به نقشه جایگزین مجهز شد. لازمه دفاع ظفرمند در برابر یورش فاشیستی استبداد حاکم، تعرض مسالمت آمیز سیاست ورزانه به برج و باروی آنست، که در لحظه کنونی، با آهنگ انتخابات آزاد به بیان در می آید. □

دهم دیماه ۱۳۸۸ برابر با روز پایانی سال ۲۰۰۹

گذر کند و این قصد خود را در اتخاذ نقشه سیاسی و ارگانی برای تدارک اجرای آن، با هدف ادامه و پیشروی جنبش شهروندی به نمایش بگذارد.

جنبش متکثر در وحدت، روشن است که نمی تواند بر سر برنامه اجتماعی و حتی حول تمامیت یک برنامه سیاسی به وحدت دست یابد. از اینرو، هیچ جریانی نباید به چنین صراقتی بیفتد. اما جنبش رنگین کمانی سبز، می تواند و باید بر سر گذار از استبدادی که همه نیروی این جنبش را رنج می دهد، متحد بماند و متحد تر شود. و جنبش سبز آنگاه می تواند با حفظ گستردگی خود، در سطح خواست متعالی ایران برای همه ایرانیان به پیش برود که در گذر به دموکراسی و حفظ دموکراسی، بر سر فرصت و حق برابر برای هر شهروند بیایستد و در مسیر گذار و فرادای گذار برای همه نیروها و جریان های سیاسی کشور نقش و سهم قایل شود. توافق بر سر اصل انتخابات آزاد در عمومی ترین معنی آن، به گمان ما آن هدفی است که می تواند جنبش سبز را در گذار از استبداد دینی به آزادی و دموکراسی، در موقعیت تعرض سیاسی و مسیر رسیدن به هدف پیروزی قرار دهد. تردیدی نباید داشت که فهم از انتخابات آزاد در میان متعلقین به جنبش جاری یکی نیست، اما در این هم تردید نباید کرد که اشتراکات در این عرصه، بسی بیشتر از تفاوت نظرها است. آزادی زندانیان سیاسی، آزادی فعالیت احزاب سیاسی و آزادی بیان و رسانه ها، از جمله پیش شرط ها برای یک انتخابات آزاد است که خوشبختانه توافق بر سر آن در میان نیروی اعتراض به استبداد حاکم، بسیار بالا و چشمگیر است. همین پیش شرط ها خود ملاط اولیه برای ریختن بنای برنامه ملی برای گذار است.

خواست انتخابات آزاد، ادامه و تکامل طبیعی و منطقی جنبشی است که با ابراز و اعلام "حق رای" میلیونها شهروند ایرانی سر بر آورد، در اعتراض به تعرض حکومت زور و تقلب به این حق شهروندی شعله ور شد، و اینک با ایستادگی اش در برابر سرکوب استبداد حاکم، عزم خود به پیروزی را نشان همگان می دهد. انتخابات آزاد، می تواند و باید به شناسنامه این جنبش شهروندی تبدیل شود و به هویت آن بدل گردد تا شور و شعور جنبش برای پیش روی هدفمند را جلا دهد. انتخابات آزاد، نشانه حقانیت مردم ایران درنزد افکار عمومی جهانی است. در این وضعیت انزوای بین المللی رژیم و آمادگی شرایط جهانی برای تحت فشار قرار

در پی تلاطم های سیاسی چند ماه گذشته، ایران ما اکنون در یک موقعیت تاریخی قرار گرفته است. این موقعیت، از چرخشی سیاسی در اوضاع کشور حکایت دارد که مضمون آن، تعیین تکلیف جامعه با استبداد دینی است.

مستبدان حاکم، در تبعیت از قانونمندی های ناظر بر قدرت های استبدادی، در طول این هفت ماه هر خواست حداقل مردم را ناشنیده گرفتند و راه هر گونه مصالحه با نیروی اعتراض را بستند. آنها اکنون بیش از هر زمان دیگر، سیاست را تنها و مطلقا در سرکوب می فهمند. رهبری استبداد یعنی ولی فقیه و عمله سرکوب آن، اینک به تکمیل کودتا رو آورده اند تا به گمان واهی خود از طریق کشتار و اعدام های بیشتر، بازداشت های چندین هزاره و حکومت عملا نظامی، جنبش سبز را از نفس بیندازند. تداوم و تشدید سیاست سرکوب، سیاستی که برای واضعان و مجریان آن جز شکست حاصلی نداشته است. در یک کلام بیانگر بن بست و انزوای حکومت خامنه ای ولی فقیه است.

جنبش اعتراضی شهروندی اما، به رغم ماه ها سرکوب، نشان داده است که در دفاع از حق و حقوق خود پا بر جاست و سر باز ایستادن ندارد. این جنبش مدنی، با همه توان کوشیده است که خویشتن داربماند و همچنان، در سیمای مسالمت چهره کند؛ ولی در همانحال، توانسته است به گونه تحسین بر انگیزی، آزادخواهی شجاعانه و شهامت مدنی را به نمایش بگذارد. این جنبش حق طلبانه در این هفت ماه دشوار، از هر امکان برای اعلام اعتراض بهره جسته و هیچ فرصت زمانی و مکانی را در به چالش کشیدن استبداد از دست نداده است. بر اثر ایستادگی و هوشیاری نیروهای متشکله جنبش و از جمله سمبل های شناخته شده آن در برابر نقشه های ناظر بر تفرقه و ارباب، این جنبش توانسته است به گونه خلاقانه ای گستردگی اجتماعی خویش را حفظ و بیشتر کند. گستردگی که، عامل اصلی در سبزینه گی آن و نیز بزرگترین نقطه قوت اش در دفاع از خود مقابل سرکوبگران بوده است. این جنبش دموکراتیک مرحله به مرحله با عبور از خواست های متنوع شهروندی، اینک در حالی گذار از حکومت استبدادی خامنه ای ولی فقیه را نشانه گرفته است که خوشبختانه همچنان با خصوصیت تکثر در وحدت شاخص است. این جنبش اما، اینک برای پایداری و شکوفایی خود در برابر سرکوب گری های بیشتر استبداد حاکم، می باید که از دفاع شهروندی به سیاست تعرضی